

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۵۲

مُقَطَّعات

۵۳

رقعه صدر فلک مرتبه، آن مخزن دُر
من به تعظیم دران رقعه نظر می‌کردم
نطق با گوش ز بس شوق همی گفت،^۱ اِسْمَع
طمع تُرک وشِ شوم، چو آن رقعه بدید
گفتم: این قطعه صدر زَمَن ابقاء الله
گفت هان زود بخوان، سر بسر آن را خواندم
چون بدانست ازان رقعه، که با خود ناورد
سخت درهم شد و از روی غضب، با قاصد
کرد گوش دل من، از گهر معنی پُر
همچو جرباء^۱ که فتد چشمش بر قرصه خور
گوش با چشم ز بس عیش همی گفت^۲ اَنْظُر
هم به ترکی، که بود شیوه او گفت: نَدُر
که بود در بر سطرش، چو صدف رشته دُر
همچو جمال، که خواند صدی از بهر ...
قاصد آن جنس، که هست اول نامش دُبُر
گفت: ینلر سنه بور قعه سطرلابه کُتُر

^۱ "جرباء": کلمه عربی و به چلیپاسه ای گفته شود، که در تابش نور تغییر رنگ می دهد

^۲ "اِسْمَع": امر حاضر عربی از مصدر "سمع" و در معنای "بشنو"

^۳ "اَنْظُر" فعل امر حاضر عربی از مصدر "نظر" و در معنای "ببین"